



ماهنامه‌ی فرهنگی - اجتماعی

شنبه ۱۵ خرداد ۱۳۹۵ ● ۲۸ شعبان ۱۴۳۷ ● ۴ زون ۲۰۱۶ ● سال یکم ● شماره ۸ ● صفحه ۸ ● قیمت ۵۰۰ تومان

قرارداد "سایکس پیکو" و یک قرن مظلومیت

برای تنبیه امپراتوری عثمانی که وارد جنگ جهانی اول شده بود در سال ۱۹۲۰ بر اساس پیمان سیور قلمروی این امپراتوری به منطقه آذربایجان که اهالی آن منحصراً ترکتبار بودند محدود شد. این شلیک تیر خلاص برای پایان حیات امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد. همچنین بر اساس پیمان سیور پیش‌بینی شده بود ساحل غربی آذربایجان به یونانی‌ها داد شود و نیز یک ارمنستان بزرگ مستقل و یک منطقه خودمنخار کوردنشین در بخش‌های شرقی آذربایجان ایجاد شود. سرزمین‌های عرب نشین امپراتوری عثمانی به نوبه خود تحت قیومیت بریتانیا و فرانسه درآمدند و پس از مدتی تحت الحمایگی کشورهای مستقل عربی تشکیل گردیدند. ... ادامه در صفحه ۵

امین عزیزی

۱۶ ماه می ۲۰۱۶ (برابر با ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۵) سده‌ی سال‌روز عقد قرارداد سری سایکس پیکو - "سرمارک سایکس"، بریتانیایی (۱۸۷۹-۱۹۱۹) و "فرانساوا رژی پیکو" فرانسوی (۱۸۷۰-۱۹۵۱) - میان انگلستان و فرانسه برای تقسیم امپراتوری عثمانی است. رویه تاریخ نیز در آن به طمع نفوذ در منطقه مشارکت داشت. بذرگان این قرارداد در اوخر سال ۱۹۱۵ و طی جنگ جهانی اول پاشیده شد و امپراتوری بیمار از هم پاشید و میراث دولت عثمانی به چندین کشور و نظام سیاسی تقسیم و تحت حمامیه فرانسه و بریتانیا قرار گرفت.

آموختن زبان مادری اکیداً منوع!

۵

کابوس آتش‌سوزی جنگل‌ها

۷

زخم سد و جاده بر تن اورامان

۳

زربیار دریا نیست

۶

رسوای جماعت شو

۳

آموزش زیست‌محیطی ۷ هزار دانش‌آموز

انجمن سبز چیا با شعار "پاراستنی ژینگه پاراستنی ژیانه" راهی خانه دوم دانش‌آموزان شد



اعضای سخت‌کوش کمیته آموزش انجمن سبز چیا در ادامه مسلط کردن گفتمان زیست‌محیطی در جامعه، با تأکید بر آموزش در سال‌های طلابی (کودکی، نوجوانی) و تربیت نسلی آگاه و مسئول در برابر طبیعت و محیط‌زیست، در سطح مدارس شهر مریوان (همه مقاطع پسرانه و دخترانه) از تاریخ ۱۰ الی ۲۹ اردیبهشت سال جاری با حضور در ۳۴ مدرسه و ۲۹۵ کلاس درس با بیش از ۲۰۰۰ دانش‌آموز، به یادآوری و آموزش اصول اساسی حفاظت از محیط‌زیست، مسئولیت‌پذیری همگانی، نگرش سیستمی و آینده‌نگر، نظم جمعی و اهمیت منافع عمومی جامعه، صلح‌طلبی و باور قلبی به برابر انسان‌ها برای دانش‌آموزان و معلمان مدارس پرداخته و با شنیدن پیشنهادها و نکته نظرات آن‌ها، در جهت هرچه بربارتر کردن آموزش‌ها، گامی بنیادی در راه ایجاد توسعه پایدار برداشتند.

افو

خدمات کامپیوٹر

- پلات و چاپ نقشه‌های اتوکد
- پرینت رنگی، لیزری و جوهر افشان
- فتوکپی رنگی
- فتوکپی و تکثیر جزوای درسی
- صحافی و سیمی کردن جزوای
- انجام کلیه کارهای اینترنتی :

 - (تحقیقات، ثبت نام، تعیین واحد)
 - شارژ انواع کارت‌تیریج
 - اسکن و پرس (A3 ، A4)
 - طراحی و چاپ آگهی‌های فوت و تبلیغاتی
 - چاپ عکس در اندازه‌های A4 ، A3 و بزرگتر
 - بر روی کاغذهای :

 - تحریر، کوتد، فابریانو، اشتنتاخ، گلاسه و ...

تلفن:

۰۹۳۵۸۸۳۸۰۸۸

۰۹۱۸۷۸۴۹۸۹۳

مربیان - کوچه حسینیه - جنب نانوایی بربی

گرده و رده

به سه رهاته کانی

نووشه‌ر: محمد مهدی سدیق گهری

تکار کنیش: پژمان خوده‌بار

آموزش زیست محیطی ۷ هزار دانش آموز مریوانی

کلاس درس با بیش از ۷۰۰ دانش آموز، یکی از اصول
یادآوری و آموزش اصول اساسی حفاظت از
محیط زیست، مسئولیت پذیری همگانی، نگرش
سیستمی و آینده‌نگر، نظام جمیعی و اهمیت
منافع عمومی جامعه، صلح طلبی و باور قلبي
به برآبری انسان‌ها برای دانش آموزان و معلمان
مدارس پرداخته و با شنیدن پیشنهادها و نکته
نظرات، در چهت هرچه پردازتر کردن
آموزش‌ها، ضمن کسب تجربیات گرانبهای
گامهای محکمی به پیش برداشتند. این
آموزش‌ها به روش‌های مختلفی از جمله
سخنرانی، پرسش و پاسخ، بارش مغزی، ایفاي
نقش، استفاده از تصاویر و پوستر و بعضًا
نمایش فيلم و کلیپ آموزشی و ... صورت
گرفتار شدند.

بررسی است. در این زمان اندک، اعضای سخت‌کوش این در کمیته با تأکید بر "بعد مکانی توسعه پایدار" یعنی بومی کردن مفاهیم، کوشیدند تا با استفاده از پیاتسیل‌های موجود، در جهت ارتقای دانش زیست‌محیطی دانش آموzan با محوریت گردشگری و تفریج پاک، در راستای برنامه پنج‌ساله اجمان یعنی سرزمین بدون زباله و سرزمین بدون شکارچی و ترویج شعار انجمن سبز چیا "پراستاری زینگه پاراستنی زیانه"، راهی خانه دوم دانش آموzan شدند و با استقبال گرم و صمیمی مدیران، معلمان، دانش آموzan و سایر کارکنان مدارس، روپرتو شدند و در همان روزهای آغازین با افزایش تعداد مراجعه‌کنندگان به دفتر انجمن برای ثبت‌نام و تشرک اولیای دانش آموzan، شمره حضور خود را در مدارس مشاهده کردند. کمیته آموزش انجمن سبز چیا به جهت همکاریهای دلسوزانه کمال تشرک و قدردانی خود را از مدیریت محترم آموزش‌وپرورش مریوان، مدیران، معلمان، کارکنان و دانش آموزان مدارس اعلام می‌دارد.

می‌دهد که هیچ انسان یا انسان‌های دستیافته و تسخیرکننده حقیقت و علم نیست. لذا انسان از طریق آموزش بی به این کاستی نباید هستی‌شناسی خود می‌برد و سعی می‌کند دامنه آن را کم کند. پس این گرگاره بسیار جدی باید وارد حوزه سیار حیاتی و اوزانی حفظ و احیای محیط‌زیست شود. انجمن سبز چیا با علم به این بنیان معرفت‌شناختی و درک فوریت این موضوع است که همواره آموزش رامینای فعالیت‌های ایشان قرار داده است. بهویژه برای کودکان و نوجوانان.

در همین راستا و در ادامه مسلط کردن گفتمان زیست‌محیطی در جامعه و رفع نواقص و مشکلات در این زمینه، با تأکید بر آموزش در سال‌های طلابی (کودکی، نوجوانی) و تربیت نسلی آگاه و مسئول در برابر طبیعت و محیط‌زیست، اعضا کمیته آموزش انجمن در سطح مدارس شهر مریوان (همه مقاطعه پرانه و دخترانه) از تاریخ ۱۰ الی ۲۹ اردیبهشت سال جاری، با حضور در ۳۴ مدرسه و ۹۵۵

انصراف از شکار در روز جهانی پرندگان مهاجر



مراسم نقدی از چهار شکارچی پیوسته به جشن نهنگ سبز
عکس: سمکو عطیمنی

درخواست تبدیل "چلچه مه" به منطقه حفاظت شده

هم فضای زیبایی را در سالان به وجود آورد. هر سه خانواده از مهمترین عوامل ماندگاری این شخصیت‌ها در ذهن ملت را اخلاق پهلوانانه‌ی آن عزیزان دانستند. او اخیر همایش خانواده‌های اواز، هنر پژوه، نعمتی، جمعی از هیمالیا نوران منطقه و تعدادی از پیشکسوتان از طرف هیئت کوهرنوردی دیواندره مورد تقدیر قرار گرفتند. حسن ختم مراسم جمع‌آوری امضا برای تبدیل شدن چل چمه به منطقه حفاظت شده، استفاده از واژه‌ی اصلی و اصیل "چل چمه" به جای "چهل چشمۀ" مسدود نمودن راه‌های دسترسی به چل چمه که از

فاتحی ضمن تقدیر از برگزارکنندگان این مراسم افزود: مردم باید بصورت داوطلب و خودجوش در صف اول حفاظت از محیط‌زیست قرار گیرند و همگانی شدن فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست باید در جامعه نهادینه شود چون که محیط‌زیست به نسل‌های آینده نیز تعاقل دارد.

در ادامه همایش آقای دکتر ابراهیم مرادی با اشاره به اهمیت استفاده از واژه‌های اصیل، معنی تحت‌اللفظی را برای اسامی خاص اشتباه دانسته و بعد از تشریح شد: "کل" و "چهل" و "چشمۀ" از



سوی برخی ارکان‌ها و مردم، خودسرانه احادث شده بود و بذرگشی برای رویش مجدد پوشش‌گیاهی منطقه بود. این طومار با امراضی خانواده‌های کوهنوردان به نام اوراز، هتر پزوه، نعمتی، انجمن سبز چیا، فرماندار دیواندره، مسئولین ادارات و جمع کثیری از کوهنوردان و دوست داران طبیعت، قریب به ۴۰۰ اماضه به اداره کل حفاظت محیط‌زیست کوردستان تحویل داده شد و از سایر انجمن‌های زیست‌محیطی منطقه، استان و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی جهت پیوستن به این درخواست دعوت به عمل آمد.

تأکید نمودند که در تمامی زبان‌ها برای این منطقه باید از "چل‌چهمه" استفاده شود و استفاده از واژه "چهل چشمۀ" به جای آن اشتباه است.

در ادامه مراسم آقای سعید مجیدی از اعضای هیئت کوهنوردی و صعودهای ورزشی شهرستان دیواندره، گزارش صعود خود به قله "موساتق آتای" کشور چین را ارائه نمودند.

روز پنجمین بهمن ۱۳۹۵ م اردیبهشت ماه سال همایشی تحت عنوان «محیط‌زیست چل چه مه و کوهنوردی» با حضور جمعی از کوهنوردان و علاقه‌مندان محیط‌زیست غرب کشور، به میزبانی هیئت کوهنوردی و صعودهای روزشی شهرستان دیواندره، در محل تالار اجتماعات فهرم، ایام نیمه تابستان ۱۴۰۱

در ابتدای همایش، آقای منصوری رئیس هیئت کوهنوردی دیواندره ضمن خیرمقدم به مهمنان، به این موضوع اشاره نمودند که "امروز زنگ خطر نابودی چلچمه به صدا در آمد" و برای حفظ آن باید هر چه زودتر چاره‌ای اندیشید. ایشان سپس از مستولین درخواست نمودند: واژه "چهل چشم" رسمآ به واژه‌ی اصیل خود، یعنی "چلچمه" تغییر یابد و منطقه‌ی چلچمه به منطقه حفاظت شده تبدیل و پاسگاه محیط‌بانی

در ادامه آقای برهان بهار دوست به نمایندگی از انجمن سبز چیای مریوان، در سخنرانی با اشاره به ظرفیت و پتانسیل بالای چل چمه به لحاظ توریستی و گردشگری، از وضعیت فعلی منطقه ابراز نگرانی کرده و خطر نابودی چل- چمه را جدی دانستند. ایشان در ادامه راهکارهای برای حفظ منطقه ارائه نموده و این مهم را منوط به همت دولت و ملت دانستند. سخنان ایشان با پخش نماهنگی زیبا

در ادامه مراسم آفای دکتر نبی احسانی به نمایندگی از اداره کل حفاظت محيط‌زیست استان کردستان، ضمن تشریح فعالیت‌های صورت گرفته جهت حفظ منطقه، به ضعفهای این اداره نیز اشاره نمودند و ابراز امیدواری کردند که در آینده با هکارگیری تعداد بیرونی‌های بیشتر، بتوان در راستای حفظ این منابع ارزشمند، گام‌های بزرگ‌تری را برداشت. در مراسم همچنین بهرام فاتحی فرماندار شهرستان دیواندره با اشاره به اینکه می‌باشد حفاظت از محيط‌زیست برای همه افراد جامعه به یک باور تبدیل شود، گفتند: همه آحاد جامعه باید به محيط‌زیست بالحساس وظیفه نگاه کنیم و احترام بگذاریم و برای حفاظت از آن تلاش نماییم.

برای اولین بار در ایران؛
کارگاه ساماندهی وضعیت
قابل رانی تفریحی-ورزشی
د. نالابها برگزار شد



کارگاه مشهد، ساماندهی و تدوین نتایج مددکت فناوری، ناشر: دانشگاه

ن کارگاه که به مدت یک روز در دبی مشتمل ماه سال جاری و به میزانی اندیزی چیا در شهرستان مریوان تحت عرض ارگاه مشورتی ساماندهی قافقانی در تاریخ برگزار شد؛ برای اولین بار و اولین تاریخ این سطح ادبی بگانه می‌شد.

نای دکتر سلیمانی مدیر ملی طرح حفاظت
الابهای ایران که یکی از سخنرانان
ارگان بودند، به اهمیت تالاب‌ها در ایران
لارکردهای مهم آن پرداختند که خدمت
تثویع را به جوامع محلی ارائه کردند و
شسانان با اشاره به تجربه‌ای جدید برای
حافظت از تالاب‌ها، اظهار امیدواری کردند
کمک همه ذی نفعان در پایان این مطالعه
نمکهای خوبی در حفاظت از تالاب زیر
بیمار برداشتم.

دیگر سخنرانان این کارگاه مشورتی، آمیخته این ایام میتوانند این را در میراث اسلامی از این جمله سبز چیز، آقای ریاضی و دکتر علی‌محمدیان اینجا معرفت کنند. این ایام میتوانند این را در میراث اسلامی اینجا معرفت کنند. این ایام میتوانند این را در میراث اسلامی اینجا معرفت کنند. این ایام میتوانند این را در میراث اسلامی اینجا معرفت کنند.

سخن چیا
حافظت، صیانت و اطفای حریق
جنگل‌ها و نظیفه‌ی دولت است

سریال پایان ناپذیر آتش سوزی جنگل های زاگرس، به ویژه کورستان همچنان ادامه دارد و تا لحظه آماده کردن این متن چند مورد اتفاقی افتاده است. اتفاقی که علاوه بر ایجاد ناهماهنگی در چرخه طبیعی و گونه های متنوع گیاهی و جانوری؛ آلدگی آبهای طوفان، سیل، هجوم ریز گردها و ... از دیگر بیامده های آن است.

کم کاری، سهل انگاری و عدم مدیریت

اما آنچه در این میان مهم و بر جسته می نماید کم اهمیت بودن حفاظت از جنگل ها و مراتع از سوی ارگان و نهادهای دولتی می باشد در حالی که بر طبق ماده ۲ قانون ملی شدن جنگل های کشور مصوب "۱۳۴۱/۱۰/۲۷" حفظ، احیا، توسعه و بهره برداری کلیه جنگل ها و مراتع و بیشترهای طبیعی و اراضی جنگل کی کشوار بر عهده دی سازمان جنگل بانی ایران است و در موقع ضروری و بحران این وظیفه به تمامی ارگان ها دولتی و به وزیر نهادهای نظامی، امنیتی و قضایی نیز تسری پیدا می کند؛ اما متأسفانه این موضوع آن چنان که باید جدی گرفته نشده است. اگر نگاهی کلی به وضعیت زمین خواری و آتش سوزه های سریالی چند سال اخیر در کوردستان و به وزیر شهرستان های مریوان و سروآباد بیندازیم، بهوضوح به کم کاری، سهل انجاری و عدم مدیریت بر بحران ارگان های دولتی پی می بریم.

اطفای حریق جنگل، وظیفه‌ی انجمن‌های

مودمنهاد و یا چیا نیست
اگر حضور فوری و بهموقع سازمانهای مودمنهاد، مردم و بهویژه اعضای انجمن سبز چیای مربیان نبود اکنون وضعیت جنگل‌های کوردستان و بهویژه شهرستان‌های مربیان و سروآباد بسیار وخیمتر از وضع کنونی بود که متأسفانه این حضور گاهای باعث به وجود آمدن این ذهنیت شده که اطلاعی حریق جنگل، وظیفه‌ای انجمن‌های مودمنهاد و یا چیا غیر از جانب اخلاقی و انسانی وظیفه‌ای متوجه این عزیزان نیست. چراکه در کشوری که سدهای ویرانگش هر روز بخش عظیمی از محیط‌زیست و منابع طبیعی اش را ویران می‌کند مردم چه محلی از اعراب دارند؟ در حالی‌که با صرف هزینه‌های چند هزار میلیارد تومانی به نابودی طبیعت این دیار می‌ادرat می‌نمایند و تمام امکانات برایشان آماده می‌شود اما از هزینه کردن چند هزار تومان برای حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی، اطراف این سدها در رغ می‌کنند.

ارگان‌های مسئول به وظایف خود عمل کنند

ارگان‌هایی مانند منابع طبیعی باید بسیار بیشتر و جدی‌تر از وضع موجود به حفاظت و صیانت از منابع طبیعی این کشور بپردازد چون آتش‌سوزی‌های چند صد هکتاری با ۱۲-۱۰ نفر و ابتدای تیرین وسایل اطلاعی حریق، مهار شدنی نیست بلکه باید با اقدامات ترویجی، فرهنگی و آموزشی، تقویت یگان حفاظت، استقرار برج‌های مراقبتی و دیدهبانی، تجهیز و آموزش بدروز نیروی انسانی خود، استفاده از بالگرد و پیزه اطلاعی حریق، انعقاد قراردادهای منطقه‌ای و جهانی به حفاظت از این موهوبت‌های خدادادی بپردازد و ارگان‌ها و نهادهای نظامی و امنیتی نیز باید به عرصه‌های منابع طبیعی به عنوان منافع ملی نگریسته و مانع این اقدامات ضد امنیتی شوند و دستگاه قضایی نیز با جدیت به تشکیل دادگاه و پیزه محیط‌زیست پرداخته و با صدور و اجرای حکم؛ عاملان، آمران و مت加وزان به عرصه‌های ملی را به مجازات قانونی برسانند.

رسوای جماعت شو!

کاوه کوردستانی ■

سالهاست با شنیدن این ضرب المثل حالم بد
می‌شود ((گر خواهی نشوی رسوا همنرنگ
جماعت شو)) آن هم در جامعه‌ای که میزان
درک و فهم و دلیستگاهی مردم نسبت به
محیطزیست و سلامت جامعه یکسان نیست.
وظیفه حفاظت و حراست از محیطزیست،
وظیفه هر انسان متکر و اندیشمندی است؛ و
چنین انسانی به بانه اینکه دیگران همکاری
نمی‌کنند از زیر این وظیفه سنتگین انسانی
شانه خالی نمی‌کند. کسی نباید بگوید اگر
دیگران رعایت کردن من هم رعایت می‌کنم و
یا اگر من رعایت کنم آما دیگران ازaloه کردن
محیطزیست دست خواهند کشید؟ با اندک
دققتی به اطرافمان خواهیم دید که عده‌ای
ناآگاه بوده و در اثر ندانی به محیطزیست
آسیب می‌زنند. شاید من و شما هم در این
گناه سهیم باشیم که بهاندازه کافی دانسته‌های
لازم را در اختیار آن‌ها قرار نداده‌ایم. ما اجازه
نداریم رفتار و کردار خود را مشروط به رفتار و
کردار کسانی بکنیم که آگاهی ندارند و برای
منتفعت شخصی و آنی خود به محیطزیست
آسیب می‌رسانند. اگر ما از همین امروز برای
حفظ از محیطزیست گام برداریم دیگران
هم به تناسب درک و فهم خود از ما پیروی
خواهند کرد و با تغییر رفتار یک نفر بهاندازه
همان یک نفر به حفظ محیطزیست کمک
کرده‌ایم. هر کس و در هر جای این کره خاکی



در راستای بهبودی و یا نایودی محیط‌زیست

دری اینجا بسیار روی رسی و سلامت روز و روان من و شما تأثیر می‌گذارد. کسانی که در آفریقا، آمریکا یا استرالیا زندگی می‌کنند به‌ظاهر تأثیری مستقیم روی زندگی ما ندارند اما اگر بومیان استرالیا درختی را آتش بزنند دود ناشی از سوراخ‌دن آن درخت وارد هوایی دجاج اختلال گردند و جامعه انسانی با مشکلی به نام محیط‌زیست روبرو شود. از منظر اکارکرده‌گرانی در پاسخ به این پرسش بر دو نکته تأکید می‌شود:

می شود که در همه جهان در حال جایگزینی است و من و شما هم از این هوا تنفس می کنیم علاوه بر این سوزاندن درختان، قسمتی از فضای سبز جهان را نابود و پالایش هاوی کرده زمین را دچار اختلال خواهد کرد. همه افراد ساکن کره زمین باید دارای سواد زیست محیطی بوده و نقش خود را به خوبی در قبال حفاظت از محیط‌زیست انجام دهند. اگر آلودگی‌ها با این شدت ادامه یابد دیری نخواهد گذشت که زندگی روی زمین غیرممکن خواهد شد. اگر روند آلودگی هوا، آب رودخانه‌ها و دریاهای ادامه یابد، اگر خاک در اثر استفاده نادرست ما و استفاده نابجا از مواد شیمیایی قادر بازی خود را از دست بدهد دیگر وقتی جامعه انسانی در استفاده از کارکردها و توانایی‌های محیط‌زیست افراط می‌کند، ما با مشکل محیط‌زیست روبرو می‌شویم.

۲-نه تنها استفاده از این توانایی‌ها، محیط‌زیست را دچار مشکل می‌کند، استفاده از هر یک از این توانایی‌ها انجام دو کارکرد دیگر را دچار مشکل می‌سازد.

بنابراین کارکردگرایان از یکسو ریشه مشکلات محیط‌زیست را در رفتار مصرفی و نادرست انسان با محیط‌زیست جستجو می‌کنند و از سوی دیگر معتقدند مشکلات محیط‌زیست ریشه در تنافضات ناشی از اجرای این سه کارکرد متفاوت دارد. رویکرد کارکردگران در پایان به این مشکلات بر دو راه حل تأکید می‌کند:

امکان زندگی برای من و شما وجود ندارد
شاید بارها شنیده باشید که برایر بی توجهی ما
در رعایت مسائل زیست محیطی نسل های
اینده بشر در معرض نابودی قرار خواهند
گرفت، این نسل های آینده موجودات ناشناسی
از کرات دور دست دیگری نیستند بلکه
بچه های ما و آیندگان ما مستند همان هایی
هستند که ما برای رفاه آنها دست به هر کاری
می زیم پس هر کس و به هر ازدایزه که برای
حافظت از محیط زیست تلاش می کند حق
ندارد منتی بر گردن دیگری بگذارد چون همه
برای خود و نسل بعد از خود و در حالت کلی
برای نجات بشر تلاش می کند. دفاع از
محیط زیست وظیفه همه است و هر کس باید
این وظیفه خود را به بهترین شکل ممکن به
انجام برساند خواه دیگران در این وادی مقدس
با او همکاری کنند یا نه؛ و اگر خدا نخواسته
در این راستا مورد حمایت و پشتیبانی قرار
نگرفت به تلاش خود به تنهایی ادامه دهد و از
هرمنگ شدن جماعت اجتناب کند

نخست، فراهم آوردن و ایجاد مجموعه ای از
بهزاده ها و سازمان ها که وظیفه بررسی اختلالات
و یجادشده در کارکرد های محیط زیست و ارائه
راه حل برای آن ها بر عهده دارند.

دوم: دعوت مردم به مشارت مدنی در دفاع از
محیط زیست که خود نیازمند تغییر در
تکریش های فرهنگی جامعه به محیط زیست و
آموزش دوباره مردم دارد.

این دو نکته زمینه ساز شکل گیری مفهوم جدید
در حوزه روابط میان جامعه با محیط زیست
گشته که عنوان "توسعه پایدار" را بر خود
دارد. توسعه پایدار راه حل نهایی کارکردگرایان
برای حفظ محیط زیست در عین تداوم رفایاند
توسعه جامعه انسانی است در این
روی و برکرد "توسعه پایدار" به دو نکته بنیادی تأکید
می شود که در ارتقای کیفی زندگی انسان باید
ظرفیت تحمل محیط زیست را در نظر گرفت و
به نیازهای نسل کنونی انسان باید پاسخ داد
بدون آنکه توانایی ها و امکانات نسل های آینده
برای تأمین نیازهایشان محدود شود.

زخم سد و جادہ بر تن اور امان

۴. اتصال جاده ههباس‌نوا - رواز سوی دیگر
موجب دسترسی آزاد شکارچیان به منطقه
حفظ‌نشده کوسالان خواهد شد که در این
مسیر به علت کم تردد بودن و دسترسی به
زیستگاه حیوانات وحشی موجب تهدید حیات
جانوری در این منطقه خواهد شد.

۵. مسیر یادشده پوشیده از درختان قدیمی
بلوط و ون است که صدھا سال است بکر مانده
است و اینک با وجود احداث این جاده
غیرضروری، این پوشش طبیعی نیز نابود
خواهد شد درختانی که نفس زنده این کره
خاکی هستند و برای حفظ و نگهداری هر اصله
از این درختان نیاز به میلیون ها تومان هزینه
خواهد بود اما اینک با اشاره یک بیل مکانیکی
غمرش به پایان می رسد.

۶. برفرض محال، هدف از کشیدن این جاده خواست اهالی این دو روستا بوده است در حالی که می‌توان با هزینه‌های بسیار کمتر از بودجه فوق، از قایق استفاده کرد و اهالی را هر وقت و هر زمان و بدون وقفه جابجا نمود و به طبیعت هم آسیبی نرساند.

۷. بنا بر گفته مجریان سد، پیش از ۱۳۰۰ میلیارد تومان هزینه سد داریان و نابودگری هایش بوده است! در حالی که علاوه بر کانی بل، هیچ هزینه دیگری برای عملیات آبیزیده داری در حریم سدها، ایجاد مسیرهایی برای عبور و مرور حیوانات وحشی، پیگاههای محیط‌بانی و... صرف نشده است و معلوم نیست ادارات محیط‌زیست و منابع طبیعی کرمانشاه و کوردستان در این میان چه نقشی داشته و دارند؟!

اورaman با کوسالان و تخت و شاهو و دلالانی و سیروان هویت یافته است که متأسفانه اینک با دریاچه مصنوعی و خطوط راهها و تونل‌ها جز کالبدی بی‌روح از آن باقی نخواهد ماند، میراثی نخواهد ماند تا ثبت جهانی شود.

An aerial photograph showing a large-scale dam construction project in a rugged, mountainous region. The dam structure, featuring a yellow metal lattice framework, spans across a deep, narrow valley. A long, winding road leads from the base of the dam up the side of the mountain. In the foreground, there is a large, light-colored gravel or sand area where heavy machinery, including excavators and trucks, is visible. The surrounding terrain is a mix of green vegetation and exposed, reddish-brown earth. In the background, majestic mountains rise under a clear blue sky.

بولوزر به جان این منطقه بکر افتاد و توجهی آن را هم خواست مردم این دو روستا اعلام کرد؟ درحالی که جاده سنتنگ مرویان که به قتلگاه تبدیل شده است علی‌رغم خواست مردم این دو شهرستان و مردم استان باگذشت بیش از بیست سال هم چنان قربانی می‌گیرد و معلوم نیست چند سال دیگر هم مردم باید به عزای عزیزانشان بنشینند تا به اتمام برسد.

۳. احداث این جاده موجب قطع ارتباط دو زیستگاه جانوری کوسالان و شاهو در این منطقه خواهد شد که جزو محدود مسیرهای تردد حیوانات وحشی و رسیدن آن‌ها به آب سیریان بوده است که با کشیده شدن جاده، مسیر دسترسی قطع خواهد شد.

نمونه از زیستگاه‌های منحصر به فرد ای حمایت از جمیعت‌ها و گونه‌های میانی‌شناسی، بوم‌شناسی، فرهنگی، تاریخی، استنده که به دلیل عوامل محدود کننده مختلف چون: توسعه، کمبود زمین، کمبود ذرجه، وسعت اندکی از سرزمین را به خود اختصاص داده‌اند و به صورت جازایر در یانوس مناطق انسان زا تبدیل شده‌اند که ای حفظ ارزش زیستگاهی و ژنتیکی حفاظت شده "اعلام می‌شوند" و نباید چیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن‌ها صورت گیرد.

پس بنا بر تعریف فوق آیا لازم است برای تردد مذاکثر ۲۰۰ نفر هزینه‌ای حدود ۱۰ الی ۱۵ بیلیارد تومان صرف شود و با بیل مکانیکی و

ر حاشیه سدها هم فارغ از تمام خسارات
برقابل جیران زیست محیطی از جمله مدفون
دند بخش وسیعی از باغات و مراتع و درختان
تنگی، رانش زمین، تخریب بافت خاک و
وشنش گیاهی، از بین رفتن میراث‌های
۴۰ هزار ساله که اخیراً کاوش شد و بخشی از
ن زیر میلیون‌ها مترمکعب آب مدفون شد
حدادت جاده دسترسی هم مزید بر علت شده
است.

عرفان حسینی اور امان را اگر از تعریفی شرق شق بیاوریم، سرزمینی است که هستیان سخت کوش، خودکفا، زبان، آداب و رسوم منحصر به فرد و دسیس با وجود ورود ابزارهای مدرن و برآ آسان با دنیای خارج از خود توافق ویژگی را حفظ نماید. فالین فر اساس همین مؤلفه‌ها در حال ثبت متعلقه به عنوان میراث مشترک پنجم فارغ از تمام ملاک‌ها و استاندارد اول این اقدام در یونسکو، وضعیت طبلی اکو توریستی اور امان در کنار فر کهن آن، از اصلی ترین عناصری اور به عنوان نامزد این عنوان انتخاب

در دنیای کنونی با گذر از عصر مدرن به نظر می‌رسد جهان در حال شکل‌دهی به هیئت دهکده‌ای خود است و در این میان آنچه قرار است بماند، باید در این دهکده کالایی برای عرضه داشته باشد و با این وضعیت توسعه و ترقی صنعت و تکنولوژی در خاورمیانه و کشور ایران، اورامان می‌تواند با حفظ چهره کهن و اساطیری، خود را در وضعیت کنونی برجسته سازد.

اورامان در بوته تکرار تجربه ویرانگر
غرب
در دو دهه گذشته صنعت سدسازی باهدف توسعه صنعتی و اقتصادی! و تکرار تجربه ویرانگر فاوستی غرب (دیدگاهی که تحقق مدرنیته را در توسعه صنعتی و توسعه صنعتی را در انهدام سنت و طبیعت می(دید) از مدرنیته، اورامان به مجموعه دریاچه‌های مصنوعی تبدیل شده است که میراث چند هزارساله این منطقه را دچار تهدید جدی کرده است رستاهای قدیمی و نادر همچون هجیج که شهرت ملی و جهانی دارد از بین رفته است و به نظر می‌رسد این برنامه‌ها تمامی ندارند.

جامعه‌شناسی محیط‌زیست



■ هیمن حسین نژاد

بدیهی است که ما امروزه با مخاطراتی مواجه هستیم، فعالیت‌های بشر محیط‌زیست را تهدید می‌کنند، فعالیت‌های بشری ممکن است که اثرات مشهود و غیر مشهود و یا شدید بر محیط‌زیست داشته باشد. پیامد بی‌توجهی به مسائل محیط‌زیست مخاطره بزرگی محسوب می‌شود. ضروری است که ما دریاره مخاطره واقعی که محیط‌زیست را تهدید می‌کند اطلاعاتی داشته باشیم. مخاطره‌هایی که محیط‌زیست را تهدید می‌کنند یا آن قدر کند و ملایم مستند که اثرات واقعی آن‌ها قابل محاسبه نیست و یا آن قدر شدید است که قدرت تخریب زیادی دارد که باعث آسیب‌دیدگی گسترده و درازمدت به محیط‌زیست می‌شود؛ اما آنچه مهم است این است که خطر موجود شخص شود و همچین معلوم شود که چه چیزی ریسک (مخاطره، خطر) است. اثرات ریسک چیست و چگونه می‌تمان: ا- خط‌لات، ب- کاهش داد.

بک می‌گویند: اساس مصیبت اجتماعی تنها، آسیب بیولوژیکی است. برای نمونه بسیاری از تصمیمات جهت کاشش و به حد مجاز رسانیدن میزان آسیب محیط‌زیست ناشی از آلوودگی که به خاطر منفعت طلبی کوتاه‌مدت انسان بوده است، اتخاذ شده‌اند و رفاه اجتماعی تا حد قابل قبول به هزینه آسیب‌دیدگی کوتاه‌مدت و اینها را محو نموده‌اند.

پارادایم زندگی غربی، شیوه‌ی زندگی پر طبیعت و بشر را به سمت هجمه بر تخریب محیط‌زیست سوق داده است

اگر بخواهیم از دید جامعه‌شناسی به مسائل محیط‌زیست نگاه کنیم در جامعه‌شناسی محیط‌زیست این رویکرد کارکردگرا بود که از آغاز کوشید نشان دهد چگونه می‌توان به مفهوم‌سازی از محیط‌زیست پرداخت و به صورت بندهی پرسش‌های جامعه‌شناختی در مقابل این موضوع دست زدای منظر کارکردگرایی، بررسی رابطه میان جامعه با



بیکاری و محیط زیست



■ مختار بهرامی

ظاهر مدرسه هستم و بعد از ظهرها هم مشغول گیاه فروشی! او به خوبی اثارة می کند که می دانیم که شغل ما هم برای ساکنان این محله و هم برای تردد دیگر همسه ریان مراحت ایجاد می کند، اما چاره چیست؟ بحث که به اینجا رسید، یکی دیگر از گیاه فروشان که خود را «حسین» و ۵۴ ساله معرفی می کند، با علاوه و کنجدکاری با جمع ما اضافه می شود. دلش پر است، طوری که با شنیدن کلمه «بیکاری»، ناله می کند. به قران نگل و لاله الله قسم می خورد که مجبور است و گرنه این کار کفاف زندگی اش را نمی هد. می گوید: از این هایی که اینجا هستند پرس، من حتی چرخ هم مال خودم نیست و تا دیروز



روی جعبه میوه بساط را پهن می کرد. کاک حسین می گوید امسال مشغول گیاه فروشی شده است و قبل از که جوان تر بود در تهران، کرج و بند کارگری می کرد، اما آن دیگر نمی تواند. دلش زیادی از وضعیت موجود پر است و دوباره قسم می خورد که از فلان شاطر ناولی شنیده که چندین نفر از اهالی محله کارت بانکی شان را پیش او گذاشتند تا سرمه بدھکاری شان بابت نان را از مبلغ یارانه شان حساب کنند. می گویند که بیشتر مایل درباره اثرات زیست محیطی شغلش بشنوش. گویا او به همه چیز واقع است و از نزدیک همه چیز را لمس کرده است. می گوید همین روتاستای ما قلباً دوربروش پر بود از گیاهان خوارکی که هر وقت می خواستیم در دسترس بود، اما آن در اثر برداشت بی روحی و غیراصولی کمیاب شده و فقط در جاهای دور دست بعضی گونه ها را می توان پیدا کرد.

با این اوصاف آیا وقت آن ترسیده که کمی به خود آیم و با دیدی گستردگر تر به آینده نگاه کنیم و برای اینکه هم آیندگان بتوانند از این ذخیره گاه عالی ژنتیکی بهره برند و هم گیاه فروشن برای سال های مستدامی این شغل را از دست ندهند؛ بایسته است که همی اینده همانه از این راه که تازه کارند و یا به عوایق کارشان فکر نمی کنند، «تر و خشک را باهم می سوزانند». نزیرمان، آن نوجوان ۱۶ ساله که تا این لحظه ساکت بود، می گوید: خب اگر زغال نگیرند و نفوشند که بدتر می شود، چون مردم به جای خردی زغال، درختان را می برند. البته او با اندکی تحقیق و پرس و جو متوجه خواهیم شد که در اثر بیکاری به مشاغل پرخطر در هرس شود که چندان ایرادی ندارد، اما بعضی ها که تازه کارند و یا به عوایق کارشان فکر نمی کنند، «تر و خشک را باهم می سوزانند».

برایم، آن نوجوان ۱۶ ساله که تا این لحظه ساکت بود، می گوید: خب اگر زغال نگیرند و خود کارم را برمی دارم و به سوی میدان سرباز (مریوان) راه می افتم، آن چنان که انتظار داشتم دهها نفر از گیاه فروشن در حاشیه خیابان در نیتید و در عین حال نیاز بازار را هم تأمین کنند. کنار چرخ های خود نشسته یا در حال سروکله درباره خودش که می پرسم، می گوید: صبح تا

مرگ پایان کبوتر نیست



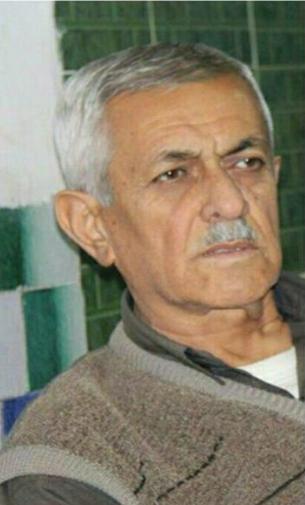
محمد دانش

روزی روزگاری مردی از قبائل رنج و درد بودن، تصمیم می‌گیرد که همه ادراکش را دریابی از کلمات، بندها و ترانه‌ها آمیخته، پنهان‌شان را بسته و خود را به دست آواز باد بسیار. روزی روزگاری نعمت‌های بالابلند، آوازی به اصال جغرافی، تصمیم می‌گیرد ضمن به اشتراک گذاشتن صدای عاشقان، دلار غم‌بدگان باشد، جدیت سنتگین روزگار را به چالش بکشد، روزی روزگاری مردی تصمیم می‌گیرد "حمه ملا" نمود.

اسم شناسنامه ایش "فایق ایزدی" بود، "جه-

مه" را از مرسوم بودن دو انسی در کورستان گرفته و "ملا" را از پدرش "ملا عبدالله" به ارش برد بود. از کودکی آواز خواندن را تجربه کرده و از نوجوانی با توجه به تیغ و آشایی که با غنای زبان مادریش داشت، به سرومن ترانه‌های ملموس و دلنشیون، از همان آغاز شهره داشت. او از هایش بیشتر از آنکه گستره جغرافیا را درنورد، اعماق دلها را نشانه می‌گرفت، از عشق‌های پاک کوردی و ابروتیکی طبیعی حرف می‌زد، داستان‌هایی که برای کمتر کسی غریب بود.

ترسمیم زندگی دلارها و دلدادهای، عاشقان ناکام و اندوه نرسیدن‌ها، با آوازهایی در فرکاس پایین با صدایی از جنس همان عشق‌ها و همان شکست‌ها زندگی شخصی‌اش آمیخته با درد و رنج، نداری و آوارهای بود، کمتر روزهای خوشی را تجربه کرده بود، اما او این رویدادها را تبدیل به فرستی برای زیستن باروحی‌های بزرگ‌تر و نگاه کردن به زندگی از بلندی بودن، تبدیل کرده بود. در لایه‌های طریف جامه و نوع انسان، بهمانند نژن‌پردازی قهار سعی در ترجمه اشک‌های ریخته شده به شادی داشت، او از جایی دور سخن نمی‌گفت، نفس بازی نمی‌کرد، بلکه خودش را می‌سراید، شاید همین یکی از دلایلی بود که شاعر اکثر آوازهایش خود باشد.



غم‌های مشترک انسان طبقه رنجیده کورد را به صدا درمی‌آورد و از قدرت تجسم و تخيّل ذاتی خود، کلاماتی معمولی و مرسوم، ادبیاتی محاوره‌ای برای بیان هنر شاسته‌دهی می‌کرد، برای همین آوازهایش بهویزه در میان عامه‌ی مردم، لاجرم به دل می‌نشست.

حمدۀ ملا، به سرومن ترانه‌های فی‌الدناه برای موضوعات مختلف شهره داشت و این از ویزگی‌های متفاوت بودن این هنرمند بود و چنان مهارتی در این کار داشت که مخاطبان خود را به وجود می‌آورد. صدای او همراه بیش از نیم قرن مردمان این سرزمین بود، با او عاشق می‌شدند، با او دل مدادند و دل می‌گرفتند، نداری‌هایشان را به یاد او سر می‌کردند و شکستهای گذشته را شادی می‌گرفتند.

اما سراج‌جام در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵، تن بی‌جان این هنرمند بر دوش جامعه عاشقان حمل گردید. مردم مرگ خاطره‌های خودشان را گریه می‌کردند، نوستالتی‌های گرمه‌خورده با آوازهای مرد خفته در تابوت را اشک می‌ریختند، از هراس کمرنگ شدن بخشی از زندگی‌شان تاله سر می‌دادند و برای همیشه بخشی از تاریخ این دیار در آرامگاه دارسیه را می‌برند.

در صورتی که عملی هم شود به معنای آن خواهد بود که یک یا دو ساعت از برنامه درسی هنگامی داشتند آموzan در مناطق قومی به آموش قواعد خواندن و نوشتن زبان مادری آن‌ها اختصاص داده شود.

این در حالی است که زبان مادری جزو حقوق فطری است یعنی با تولد کودک این حق برای او به وجود می‌آید و بر اساس ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، مردم متعلق به این اقلیت‌ها را نمی‌توان از حقوق‌شان محروم کرد. این افاده حق دارند به تنهایی یا با افاده گروههای زندگی فرهنگی خودشان را اداره کنند و زبان خودشان را به کار برند.

آموش به زبان اقلیت‌ها نه تهدید بلکه

گنجینه‌ای معنیو است

ماهه ۱۳ میثاق حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگستان گفت: "تحصیل با زبان اقوام

موضع سیاسی و مذهبی کردی در دانشگاه

کشورهای آن‌هاست و بر اساس فرمان مقاله جدید

شرعاً نظر از ساکنان کشور، مقوله جدید

برای جمیع اقوام از جمله ایرانی

که این اتفاق می‌باشد،

ایرانیان از این میثاق ممنوع می‌باشد.

ایرانیان از

